

نقش عوامل و نیروهای درونی و بیرونی در روند دگردیسی کالبدی - فضایی سکونتگاههای روستایی پیرامون شهر اردبیل

عباس سعیدی^۱ و بهرام ایمانی^۲

چکیده

خصوصیت کالبدی - فضایی سکونتگاهها حاصل تعامل متقابل عوامل و نیروهای گوناگون محیطی - اکولوژیک و اجتماعی - اقتصادی است. در این فرایند تعاملی و بر طبق قانونمندی‌های نظریه "پویا ساختاری - کارکردی"، نه تنها عوامل و نیروهای درونی، بلکه عوامل و نیروهای بیرونی هم هریک نقشی (هم‌افزا) برعهده دارند. دامنه پویا این مجموعه، تعیین‌کننده تحرک یا ایستایی روند تحولی سکونتگاه به‌شمار می‌آید. بدین‌سان، عرصه تحولی محیط و فضای سکونتگاههای انسانی به گستره طبیعی روابط درونی و بیرونی آنها باز می‌گردد. در این بین، گاهی دخالت‌های بیرونی، چه مبتنی بر برنامه‌های معین و چه به‌صورت خودبه‌خودی یا خودجوش، زمینه‌ساز تحول مطلوب یا حتی دگردیسی نامطلوب سکونتگاهها می‌گردند. براین اساس، سکونتگاههای روستایی در تعامل دوسویه خود با کانونهای شهری، نه تنها از این کانونها تأثیر می‌پذیرند، بلکه بر شکل کالبدی و روابط فضایی آنها اثر می‌گذارند. محدوده مورد مطالعه در این نوشتار، شهر اردبیل و محدوده روستایی پیرامون آن، یا حوزه نفوذ بلافصل آن است که بویژه پس از تأسیس استان اردبیل (۱۳۷۲خ) و تسلط بلامعارض و مرکزیت منطقه‌ای این شهر، با دگرگونی‌های دامنه‌داری در ابعاد گوناگون کالبدی - فضایی روبرو شده است. آشکار است که این دگرگونی‌ها با بازتابهای مختلف محیطی - اکولوژیک، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی - سیاسی همراه بوده است. به سخن دیگر، می‌توان این‌گونه دگرگونیها را بازتاب جریان اثرگذاری - اثرپذیری عوامل و نیروهای مختلف درونی و بیرونی طی زمان به‌حساب آورد. این مقاله می‌کوشد تا از طریق تشخیص، واری و تحلیل عوامل و نیروهای اثرگذار درونی و بیرونی، تحول و دگردیسی سکونتگاههای روستایی را در گستره پیرامونی شهر اردبیل مورد شناسایی قرار دهد. کلیدواژگان: پویا ساختاری - کارکردی؛ عوامل و نیروهای درونی و بیرونی؛ دگردیسی کالبدی - فضایی؛ روستاهای پیرامونی شهر اردبیل.

۱. استاد گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی

۲. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه و طرح مسأله

دیدگاه نوین از مفهوم جغرافیا، روندها و پدیده‌های جغرافیایی را در قالب نظام‌های فضایی و در چارچوب نگرش سیستمی مورد توجه و مطالعه قرار می‌دهد. در این رویکرد، نظام فضایی حاوی مجموعه‌ای از اجزای مرتبط است که از قانونمندیهای عام حاکم بر نظامها (سیستمها) تبعیت می‌کند (سعیدی و صدوق، ۱۳۸۵: ۹). سکونتگاههای روستایی نیز جزیی از نظام فضایی به‌شمار می‌روند و حضور آنها نه به‌خودی خود، بلکه در ارتباط با سایر اجزاء، یعنی سکونتگاههای روستایی (وشهری) دیگر، قابل توجه است (سعیدی و حسینی حاصل، ۱۳۸۸: ۷۸). سکونتگاههای روستایی نیز به‌مثابه نظامهای مکانی-فضایی، همچون همه نظامها در معرض پویایی و دگرگونی مدام قرار دارند. توجه به یک جزء از مجموعه اجزای این نظام بدون توجه به همبستگی و تعامل آن با سایر اجزاء نه منطقی-علمی و نه قابل شناخت و دخالت متناسب توسعه است (سعیدی، ۱۳۹۰: ۳۷۷). بنابراین، دخالت در شکل و بافت سکونتگاههای روستایی، مستلزم پایداری به‌اصول و قواعدی است که پیش از هر چیز بر قواعد و قانونمندی‌های عام نظامها استوار است. آشکار است که بی‌توجهی به این اصول و قواعد، شکل‌هایی نامناسب، واحدهای مسکونی بیگانه و غیرکارآمد و بافت‌هایی نامنسجم فراهم خواهد آورد که حاصل آن فقط درهم‌ریختگی مکانی-فضایی بیشتر خواهد بود (سعیدی، ۱۳۹۰: ۳۶۶). هر نظام فضایی، از جمله سکونتگاههای روستایی، نه تنها زیر تأثیر نیروها و روندهای درونی جاری در محیط خود است، بلکه ضمناً از نیروها و روندهای بیرونی نیز به‌شیوه‌های مختلف تأثیر می‌پذیرد. این گونه تعامل نیروهای درونی و بیرونی از قانونمندی‌های حاکم بر تمام انواع نظامها به‌شمار می‌رود (سعیدی و حسینی حاصل، ۱۳۸۸: ۳۰۷). این نیروهای اثرگذار اعم از درونی و بیرونی در تعاملی پویا، بسترساز دگرگونی نظامهای مکانی-فضایی به‌شمار می‌روند. بنابراین، این تعامل مبتنی بر اثرگذاری متقابل فقط بر شالوده‌های متناسب محیطی به تحول دلخواه و هدفمند رهنمون می‌شود. بدینسان، نظامهای سکونتگاهی در فریند یک تعامل پویا از نیروهای گوناگون اثرگذار در روند زمان، رنگ و شکل می‌گیرند (سعیدی، ۱۳۹۰: ۳۳۵). عوامل درونی، که عبارت است از عواملی که در خود فضای مورد بررسی عینیت دارد و متناسب با ویژگی‌های خود منطبق است. عوامل محیطی، موقعیت و شبکه ارتباطی از عوامل درونی مؤثر در تحولات کالبدی-فضایی بوده (امین مقدم، ۱۳۹۰: ۱۴۷) و در دو گروه از عوامل و نیروها طبیعی-اکولوژیک و اجتماعی-اقتصادی قابل تفکیک هستند

(صدوق و سعیدی، ۱۳۸۵، ۹)؛ عوامل بیرونی، عواملی است که از سایر واقعیت‌های مکانی-فضایی یا غیرفضایی نشأت می‌گیرد و تصمیم‌گیری‌های سیاسی-اداری و اقدامات عمرانی را شامل می‌شود (امین‌مقدم، ۱۳۹۰:۱۴۹). این نیروها، مجموعه عوامل و نیروهای دخالت‌کننده در مقیاس محلی، ناحیه‌ای و جهانی را دربر می‌گیرد (صدوق و سعیدی، ۱۳۸۵: ۹). به‌طورکلی عوامل و نیروهای درونی و بیرونی، هر یک در بستر زمان به شکلی در روند تحولات سکونتگاه‌های روستایی پیرامونی شهرها تأثیر گذاشته است، به صورتی که این گونه دگرگونی‌ها به‌نحو بارزی در ساختار کالبدی-فضایی این عرصه‌های زیستی تجلی یافته است؛ سکونتگاه‌های روستایی پیرامونی شهر اردبیل است، نیز از این اصل مستثنی نیست، بویژه بعد از سال ۱۳۷۲ (تأسیس استان اردبیل) و شکل‌گیری پدیده نخست شهری در سطح منطقه با تحولات قابل توجهی در ابعاد مختلف اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و کالبدی-فضایی روبرو شده است؛ به‌نحوی که بویژه در دهه اخیر فشار مازاد جمعیت بر توان بالقوه محیطی شهر و گسترش کالبدی بی‌برنامه که منجر به تغییرات کاربری اراضی (زراعی به مسکونی و...) در عرصه روستایی پیرامونی شده و زمینه رشد ناموزون کانون شهری را در ازای تحولات کالبدی-فضایی نامانوس و غیربومی سکونتگاه‌های روستایی حاشیه شهری فراهم کرده است. در این زمینه می‌توان به این موارد اشاره کرد: با خزش فیزیکی شهر روستاهای «ججین، ملایوسف، ملاباشی» در دهه ۷۰ و روستاهای «گلمغان، شیخ‌کلخوران، نیار» در دهه ۸۰ در شهر اردبیل ادغام شدند (مأخذ: مستخرج از نقشه‌های تقسیمات سیاسی استان اردبیل سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۹۰)، از تغییرات کاربری ارضی رخ داده در روستاهای پیرامون شهر اردبیل نیز می‌توان به احداث فرودگاه در اراضی روستای «گیلان‌ده» در سال ۷۵، احداث شهرک صنعتی در اراضی روستاهای «نوجه ده و سلطان‌آباد» در سال ۸۰، احداث استادیوم ورزشی در اراضی روستای «قره‌لر» در سال ۸۵، راه‌اندازی واحدهای تولیدی - صنعتی در اراضی پیرامونی روستاهای «شام‌اسبی، کرکوق، قره‌لر» اشاره کرد (کارشناس واحد شهرسازی اداره کل راه و شهرسازی استان اردبیل، ۱۳۸۹).

شایان ذکر است از سال ۱۳۸۸ دولت در قالب طرح مسکن مهر اقدام به خانه‌سازی در اراضی روستاهای پیرامونی شهر اردبیل کرده است. مانند آنچه در اراضی روستاهای «بنفشه درق، شام‌اسبی، نیار، پیله سهران» در حال وقوع است، که این امر بازار بورس بازی زمین و مسکن را در این روستاها به شدت داغ کرده است (معاونت عمران روستایی اداره کل بنیاد مسکن استان

اردبیل، ۱۳۸۹). ذکر این نکته ضروری است که با احداث کمربندی جدید شهر چندین روستا که در حریم شهر اردبیل واقع هستند در داخل این کمربندی قرار می‌گیرند که احتمال ادغام آن‌ها در آینده نزدیک در شهر اردبیل چندان دور از ذهن نیست (کارشناس واحد شهرسازی اداره کل راه و شهرسازی استان اردبیل، ۱۳۸۹).

در واقع تغییرات در روندهای مختلف اجتماعی-اقتصادی در دوره‌های مختلف به صورت دگرگونی در ساختار کالبدی-فضایی عرصه‌های روستایی پیرامون شهر اردبیل تجلی یافته است، بنابراین، پژوهش حاضر سعی بر آن دارد تا از طریق مطالعه، شناخت و تشریح تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهر اردبیل، به تبیین عوامل و نیروهای مختلف درونی و بیرونی مؤثر در این گونه دگرگونی‌ها در چارچوب پیوندهای روستایی-شهری بپردازد. از این رو، پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال است که: **کدام عوامل و نیروها در روند تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهر اردبیل بیشترین تأثیر را داشته‌اند؟**

در راستایی پاسخ به این سوال فرضیه زیر مطرح می‌شود:

تحولات کالبدی-فضایی روستاهای پیرامون شهر اردبیل نه بواسطه یک یا چند عامل مجزا، بلکه، بواسطه مجموعه‌ای از عوامل درونی و بیرونی پدیدار شده است.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر روش‌شناسی، قیاسی است و به روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته است. جهت گردآوری داده‌ها از طریق مطالعه کتابخانه‌ای (مطالعه کتاب‌ها، مقاله‌ها، گزارش‌ها، اسناد، سالنامه‌های آماری و...) و میدانی (مشاهده، پرسشنامه و مصاحبه) عمل شده است. در راستای تحلیل و تبیین داده‌ها و اطلاعات نیز از روش‌های کیفی (تحلیل منطقی) و کمی (آماري توصیفی) و ابزار پرسشنامه و نرم‌افزار SPSS برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شد. محدوده مکانی پژوهش با توجه به شاخص فاصله روستاها تا شهر اردبیل و تعداد جمعیت، ۲۰ روستا با ۳۱۳۷۵ جمعیت (۷۶۲۲ خانوار) انتخاب و با استفاده از فرمول کوکران ۳۵۰ نفر از سرپرستان خانوارهای روستاهای پیرامون شهر اردبیل به‌عنوان نمونه انتخاب شدند.

شالوده نظری پژوهش

در زمینه روابط مختلف شهر و روستا و نقش آنها در تغییرات و تحولات فضایی نواحی روستایی مطالعات زیادی در داخل و خارج کشور انجام گرفته است که برخی از مهمترین آنها در ادامه اشاره می‌گردد.

سیسیلیا تاکولی از محققین برجسته‌ای است که در زمینه روابط شهر و روستا پروژه‌های تحقیقاتی متعددی را در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین همراهی کرده است: از دیدگاه او روابط و وابستگی‌های میان شهر و روستا به دو گروه کلی روابط متقابل فضایی (مردم، کالاها، ایده‌ها، اطلاعات، سرمایه‌ها، پسماندها و...) و روابط متقابل بخشی تقسیم می‌شود (Tacoli, 1998: 148). سرآغاز بحث‌های جدی و عملی مربوط به روابط شهر و روستا توسط جغرافیدانان عمدتاً به ۱۹۴۰ میلادی برمی‌گردد. در ایران، یکی از پیشگامان این مبحث هانس بوبک جغرافیدان اتریشی است که در سال ۱۹۴۸ برای نخستین بار کوشید این مقوله را در چارچوب نظری مطرح سازد. او در مقاله تحت‌عنوان مراحل اساسی تکامل اجتماعی - اقتصادی از دیدگاه جغرافیا، این‌گونه روابط را، بویژه در خاورمیانه، نوعی صورت‌بندی اجتماعی - اقتصادی و مرحله‌ای مستقل در روند تکوین تاریخی بر اساس مدل پیشنهادی خود به‌شمار می‌آورد که بین دو مرحله جامعه زراعی سازمان یافته (طبقاتی) اربابی و سرمایه‌داری تولیدی قرار می‌گرفت. هانس بوبک این‌گونه روابط سلطه را در کشورهای شرق اسلامی، از جمله ایران، در قالب سرمایه‌داری بهره‌بری و روابطی انگلی و تحمیلی از سوی شهرها بر محیط‌های روستایی معرفی کرده است (سعیدی، ۱۳۸۵: ۷۷).

اکارت اهلرس در مطالعات خود بر روی دزفول و طبس و حوزه روستایی پیرامون آنها - در یک جمع‌بندی - ویژگی‌های اساسی این نوع صورت‌بندی را به‌نحو شایسته‌ای این چنین معرفی کرده است: شهرها نه تنها شالوده و اساس اولیه خود را مدیون حوزه‌های روستایی پیرامونی هستند، بلکه، این حوزه از طریق مازاد تولید، اساس تغذیه جمعیت شهری را فراهم می‌سازد و در عین حال، بازاری برای تولیدات نهایی و یا نیمه تمام شهری به‌شمار می‌آید؛ شهرها محل اصلی اقامت زمینداران بزرگ (مالکان غایب) است؛ این رو، "ارزش افزوده" تولیدی در روستاها به مراکز شهری انتقال می‌یابد و در واقع، شهرها این‌گونه عواید را از آن خود ساخته و آن را در واقع غصب می‌کند؛ علاوه براین، روستاها مراکز تولید و شهرها کانون‌های بازاری و تجارت متکی بر (تولیدات) عرضه‌های روستایی به‌شمار می‌روند؛ و به این ترتیب، شهرهای سستی بر مبنای

فعالیت اقتصادی حومه روستایی خود و برای آن دوام می‌یابند؛ نتیجتاً، روند تکوین اجتماعی-اقتصادی با پویش ناچیز خود، منجر به رشد شهرها و واپس ماندن محیط‌های روستایی می‌گردد (اهلرز، ۱۳۸۰: ۲۲۳).

همچنین رهنمایی با طرح نظر خود تحت‌عنوان "دولت و شهرنشینی" به نقد نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری بوبک پرداخت. وی با اشاره به دو مسأله مهم یعنی "نفتی شدن اقتصاد ایران" و "تکوین نظام جدید دیوان سالاری" با برجسته کردن نقش دولت توانست نظریه بوبک را به‌طور جدی نقد کند. به نظر او، دولت با استقرار نظام اداری-سیاسی (به‌ویژه از دوره رضاشاه به بعد) و با تکیه درآمدهای نفتی توانست جریان ثروت و سرمایه را از بالا به پایین نماید. بدین ترتیب عنصر جدیدی به نام دولت در روابط شهر و روستا وارد شد که موجب دگرگونی‌هایی در روابط شهر و روستا شد (رهنمایی، ۱۳۷۳: ۱۹).

پیشینه نظری بررسی پیوندهای روستایی - شهری

گرچه مطالعات و تحقیقات قابل توجهی در زمینه روابط شهر-روستایی صورت پذیرفته است؛ اما در حوزه پیوندهای روستایی-شهری و اثرات آن هنوز خلاء فعالیت‌های پژوهشی در کشور مشاهده می‌گردد.

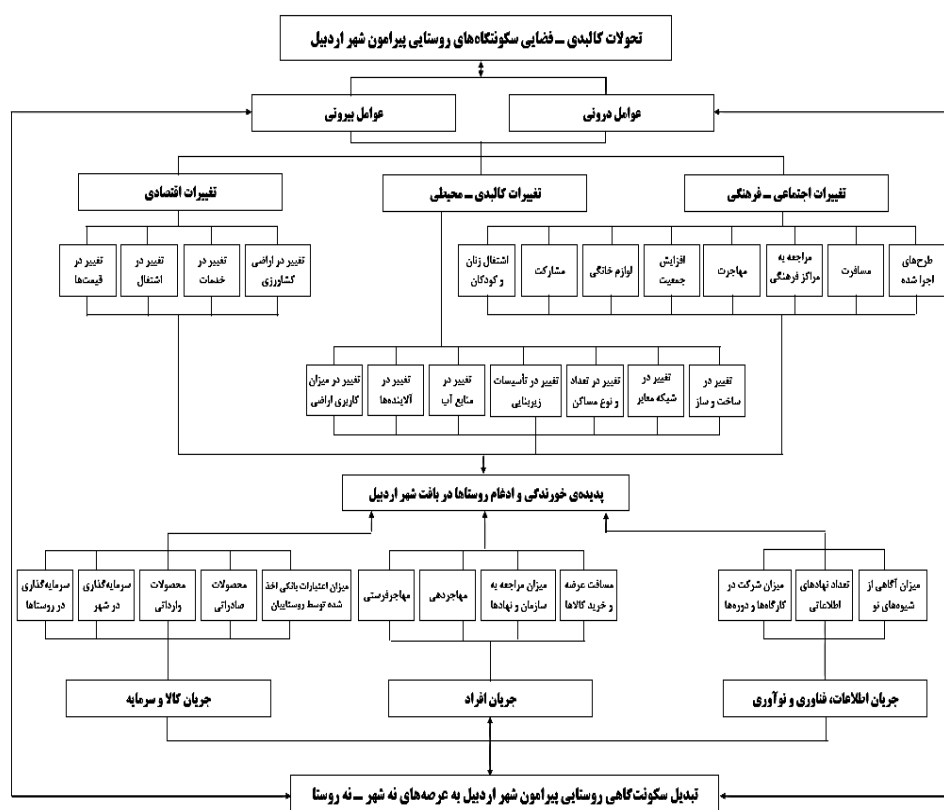
ساختار فضایی هر مکان تجلیگاه کنش متقابل میان جامعه انسانی و محیط طبیعی پیرامون است (Coates et al, 1977, 253). جانستون نیز مطالعه و درک نظام‌های فضایی را مستلزم بررسی مکان کارکردها و کنش متقابل مابین آنها می‌داند. او مکان کارکردها را مؤلفه سازمانی و روابط متقابل میان کارکردها را مؤلفه مبادله به‌شمار می‌آورد (Johnston, 2000: 5). بررسی پیوندهای روستایی-شهری، ترسیم سازمان فضایی مراکز بازاری و شبکه روابط متقابل شهر و روستا بر حسب جریان‌های مختلفی است که به ساختار فضایی مربوطه، موجودیت شناخته شده‌ای می‌دهد.

راندینلی (1985) این مطلب را تا آنجا پیش می‌برد که یکپارچه کردن کارکردهای شهری و روستایی را مطرح ساخته، می‌نویسد: یکپارچه کردن جوامع کوچک و فعالیت‌های تولیدی آنها در اقتصاد ملی، هدف اصلی استراتژی دگرگونی است، تا جایی که هیچیک از اهداف افزایش بازده و ازدیاد درآمد و نیز عدالت بیشتر در توزیع درآمد، بدون افزایش رابطه میان دهکده‌ها، شهرکهای بازاری، شهرهای میانی و نواحی کلانشهری در کشورهای در حال توسعه، بدون یکپارچه کردن کارکردهای شهری و

روستایی در نظام فضائی ملی، قابل دستیابی نیست (Rondinelli, 1985: 34). راندینلی و رودل عقیده دارند، کنش متقابل جوامع عمدتاً حاصل پیوندهای کالبدی است که خود مبتنی بر وابستگی متقابل منابع و نیز شبکه‌های حمل و نقل است. بعد دیگر پیوندها را در ساختار فضایی، پیوندهای اقتصادی تشکیل می‌دهد که بر شبکه‌های بازار، کالا، مواد خام و مانند آن متکی است حرکت‌های جمعیتی خود یکی از ابعاد اصلی سازمان فضایی است (Rondinelli & Ruddle, 1978:160) جانستون نیز یکی از سه بعد نظام فضایی را در پیوندهای جمعیتی خلاصه کرده است. از انواع دیگر پیوندها در سازمان فضایی، پیوندهای فناوری است که امکان افزایش تولید و بهره‌دهی را میسر می‌سازد (Johnston, 2000: 6-7). بر این مبنای پیوندها و تعامل روستایی - شهری را می‌توان در دو مقوله و در دو سطح متفاوت بررسی کرد: الف. تعامل و پیوندها در خلال فضا؛ نظیر جریان افراد، کالاها، پول، سرمایه، اطلاعات و مواد زائد؛ و ب. تعامل و پیوندها در سطح بخشها مانند؛ تعامل بخشی (که شامل فعالیت‌های روستایی که در نواحی شهری جریان دارند) مانند کشاورزی شهری یا فعالیت‌هایی که اغلب به‌عنوان شهری طبقه‌بندی می‌شوند نظیر صنعت و خدمات، اما در محیط‌های روستایی جریان می‌یابند (سعیدی، ۱۳۸۷: ۸۲).

راهبرد شبکه منطقه‌ای (رویکرد حاکم بر پژوهش) که مدل شبکه‌ای یا مدل خوشه‌ای نیز نامیده می‌شود، بر اساس اندیشه‌های جان فریدمن، توسط مایک داگلاس در اواخر دهه ۱۹۹۱، یعنی متجاوز از دو دهه پس از طرح رویکرد توسعه آگروپولیتن، ارائه شده است. به عقیده داگلاس، نظریه‌ها و مدل‌های سیاست‌گذاری، نه واقعیات توسعه منطقه‌ای روستایی و نه پتانسیل لازم برای انجام آن را مورد توجه قرار می‌دهند او همچنین معتقد است که سیاست‌گذاری لازم برای توسعه روستایی، به پارادایم جدیدی در زمینه توسعه فضایی نیاز دارد. در چارچوب این پارادایم جدید، تغییرات محلی در پیوندهای روستایی - شهری، مورد توجه و بررسی خاص قرار می‌گیرد. استراتژی شبکه منطقه‌ای که به‌منظور امحاء فقر در مناطق روستایی ارائه شده است، به دنبال تجهیز و تقویت اقتصادهای محلی در پیوند و همگرایی با توسعه منطقه‌ای و در نهایت توسعه ملی است. براین اساس، رویکرد یا راهبرد شبکه منطقه‌ای، نظام غیرمتمرکز برنامه‌ریزی را برای شناسایی نحوه عمل پیوندهای روستایی شهری - توصیه می‌کند. این رویکرد بسیاری از برداشتهای مرتبط با مدل‌های مبتنی بر نظامهای برنامه‌ریزی از بالا به پایین و نظامهای متعارف برنامه‌ریزی شهری را به رویارویی می‌طلبد. از این رو، این رویکرد حاوی نگرشی نسبتاً متنوع، منعطف و جامع‌نگر به

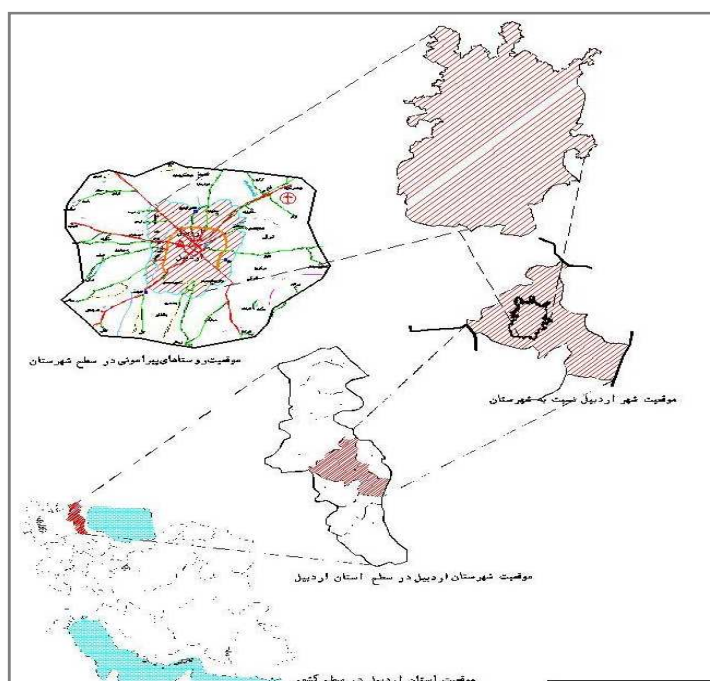
توسعه منطقه است که بر هماهنگ‌سازی و ادغام توسعه روستایی با توسعه شهری در مقیاس ناحیه‌ای و محلی استوار شده است. بدینسان، راهبرد شبکه منطقه‌ای بر مجموعه‌ای نامتمرکز و خردمندانه از دخالت سیاسی اصرار می‌ورزد که تنوعات موجود از لحاظ برخورداری از منابع ناحیه‌ای، تقسیم کار بین بخش‌های شهری و روستایی و نیازها و توانمندی‌های توسعه محلی را مورد حمایت قرار دهد (سعیدی ۱۳۸۲: ۸۸-۷۷، Douglass, 1998:16). با توجه به رویکرد شبکه منطقه‌ای که به‌عنوان دیدگاه حاکم بر پژوهش مطرح است نمودار یک مدل فرایند تحقیق را ارائه داده است. با توجه به رویکرد شبکه منطقه‌ای که به‌عنوان دیدگاه حاکم بر پژوهش مطرح است نمودار یک مدل فرایند تحقیق را ارائه داده است.



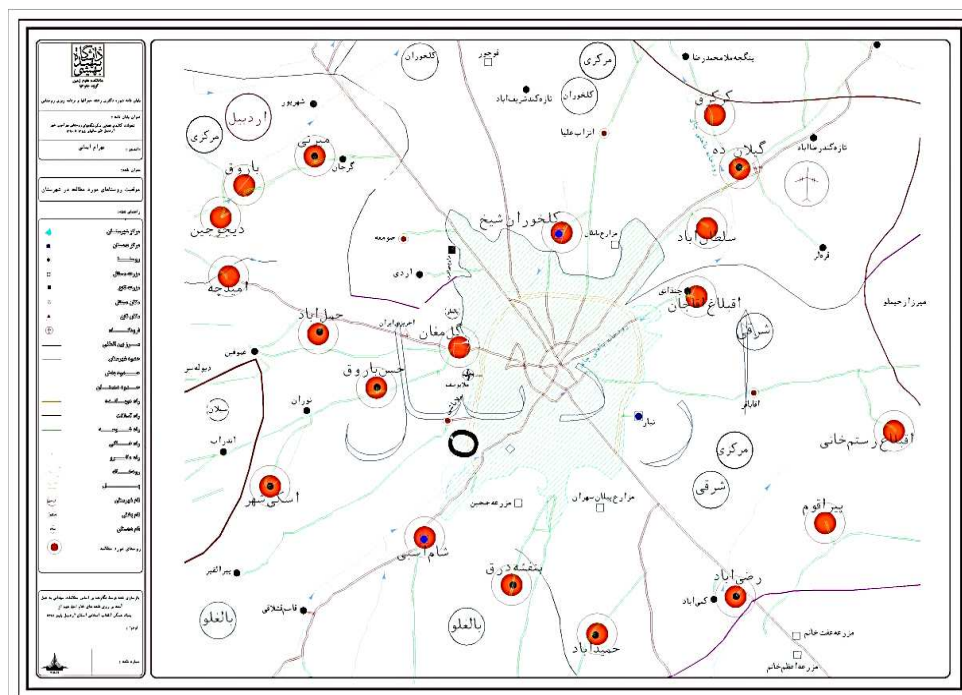
نمودار ۱: مدل فرایند تحقیق

بستر مکانی - فضایی محدوده مورد مطالعه

از جهت موقعیت ریاضی شهر اردبیل در مختصات 2° و 38° الی 8° و 38° عرض جغرافیایی و 5° و 48° الی 20° و 48° طول جغرافیایی قرار دارد. مختصات مرکز شهر حدود 5° و 38° عرض جغرافیایی و 8° و 48° طول جغرافیایی است. مساحت شهرستان اردبیل $5172/3$ کیلومتر مربع بوده و در ارتفاع 1350 متر از سطح دریا قرار گرفته است. شهر در وسط دشتی (دشت اردبیل) به وسعت 45 کیلومتر مربع واقع شده است (شکوری، پیوند، $1378: 3$). از جهت موقعیت نسبی این شهر توسط واحدهای مهم ناهمواری از قبیل توده سبلان در غرب و رشته کوه‌های طالش در شرق خود از استان‌های آذربایجان شرقی و گیلان جدا می‌شود، تنها دره رودخانه قره‌سو از سمت شمال غرب این ناحیه به صورت یک دره پست به سیستم رودخانه دره رود می‌پیوندد (شهبازی شیران، $1373: 85$). نقشه شماره ۱ موقعیت شهرستان اردبیل را در سطح کشور نشان می‌دهد. شهرستان اردبیل و روستاهای پیرامونی آن که منطقه مورد مطالعه این تحقیق است، شامل سه بخش مرکزی، سرعین و هیر می‌باشد؛ بخش مرکزی مشتمل بر دهستان‌های ارشق شرقی، بالغلو، سردابه، کلخوران، آبگرم، سبلان، غربی، شرقی، فولادلوی شمالی، فولادلوی جنوبی و هیر است.



نقشه ۱: موقعیت شهرستان اردبیل و روستاهای پیرامونی در سطح استان و کشور



نقشه ۲: موقعیت روستاهای پیرامونی در سطح شهرستان اردبیل

یافته‌های پژوهش

نتایج حاصله از بررسی‌های اسنادی و پیمایشی نشان می‌دهد که در روند تحولات کالبدی - فضایی سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهر اردبیل و شکل‌گیری جریان‌های فضایی در سطح ناحیه، عوامل و نیروهای مختلف با منشأ درونی و بیرونی اثرگذار بوده‌اند که مهمترین آنها در راستای تبیین مسأله تحقیق، مطرح و مورد تحلیل قرار می‌گیرند:

(۱) **دگرگونی‌های محیطی - اکولوژیک:** الگوی سکونت‌گزینی روستایی بیش از هر چیزی متأثر از عوامل محیطی - اکولوژیک است، تا جایی که الگوی اسکان سکونتگاه‌های روستایی را از لحاظ بنیادی، انعکاس عوامل و نیروهای محیط طبیعی به‌شمار آورده‌اند (سعیدی، ۱۳۸۸: ۸۳). اولین نمود تحولات محیطی روستاهای پیرامون شهر اردبیل، بحث افزایش سطح زیرکشت محصولات کشاورزی طی دوره ۳۵ ساله از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۹۰ می‌باشد. چنانچه سطح زیرکشت محصولات زراعی از ۸۷۴۴ هکتار در سال ۱۳۵۵ به ۱۶۱۲۵ هکتار در سال ۱۳۹۰ افزایش پیدا کرد. در مقابل این امر با توجه به جدول (۱) وضعیت اراضی باغی این روستاها متفاوت است

زیرا سطح زیرکشت اراضی باغی در سال ۱۳۵۲ از ۵۲۰ هکتار به ۵۴ هکتار در سال ۱۳۹۰ کاهش پیدا کرده است. دلیل این امر را باید در یک عامل درونی یعنی تبدیل اراضی باغی به زراعی و عدم رسیدگی و تخریب باغات توسط اهالی دانست؛ در این دوره افزایش سطح زیر کشت اراضی آبی بسیار بیشتر از اراضی دیم بوده که علت آن را باید در افزایش تعداد چاههای حفر شده از ۷۸ چاه در سال ۱۳۵۲ به ۳۸۵ چاه در سال ۱۳۹۰ جستجو کرد (جدول ۲). چنانچه بر اساس اعلام مراجع ذیربط در اثر برداشت بیش از حد از سفره‌های آبهای زیرزمینی، دشت اردبیل به‌عنوان دشت ممنوعه محسوب شده و حفر چاه و استفاده از آب آن طبق ضوابط خاص صورت می‌گیرد؛ اگر افزایش سطح زیرکشت در روستاهای پیرامون اردبیل ناشی از بهبود روش‌های کشت و آبیاری باشد، با نگاهی به کاهش تعداد افراد بهره‌بردار در روستاهای مورد مطالعه (از ۱۵۲۱ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۶۵۵ نفر در سال ۱۳۹۰) وضعیت را باید طور دیگری تفسیر و تعبیر کرد زیرا عاملی که نقش بیرونی در تحولات کشاورزی این منطقه بازی می‌کند زارعان غایب از روستاها و ساکن در شهرها هستند. این افراد جریان سود حاصل از فعالیت‌های زراعی را به خارج از محیط روستاها منتقل کرده و زمینه‌های ناپایداری را فراهم می‌کنند؛ دومین بخش تحولات محیطی - اکولوژیک، تغییر کاربری اراضی زراعی به کاربری دیگر است، این بحث از دو بعد تغییرات مجاز و غیرمجاز قابل پیگیری هستند، بیشترین میزان تغییر کاربری مجاز طی دوره ۶ ساله (۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰) مربوط به احداث واحدهای صنعتی - تولیدی به میزان ۸۴۹۴۹۶ مترمربع و کمترین مقدار این تغییر مربوط به واحدهای خدماتی با ۳۹۳۶۷ مترمربع و مسکونی ۱۱۵۵۵ مترمربع است. ولی در بخش تغییر کاربری غیرمجاز، برداشت غیرمجاز مصالح ساختمانی (شن و ماسه) با ۵۰۹۲۳۰ مترمربع و تخریب و تصرف اراضی با ۱۴۳۹۹۰ مترمربع بیشترین مقدار و احداث واحدهای خدماتی با ۲۲۹۰۰ و صنعتی - تولیدی با ۵۲۴۴۹ مترمربع کمترین مقدار را به خود اختصاص می‌دهد. با این وصف متوجه می‌شویم که بیشترین سهم تغییر کاربری اراضی مربوط به عوامل بیرونی بوده و سهم جوامع روستایی در قبال این تغییرات بسیار اندک می‌باشد، بجز ساخت‌وسازهای مسکونی در روستاهای مورد مطالعه؛ این شهر اردبیل و نیاز روزافزون آن به احداث واحدهای تولیدی، صنعتی و برداشت غیرمجاز مصالح ساختمانی از اراضی روستاهای پیرامونی خود است که به‌عنوان یک عامل مهم بیرونی در تغییر کاربری اراضی زراعی روستایی نقش دارد (تصاویر یک و دو).

جدول ۱: تغییرات سطح زیر کشت اراضی باغی به هکتار در روستاهای پیرامون شهر اردبیل طی ۱۳۹۰-۱۳۵۲

۱۳۹۰	۱۳۸۲	۱۳۷۲	۱۳۶۷	۱۳۵۲
۵۴	۷۳	۱۱۳.۷۲	۳۷۵.۱۷۷	۵۲۰

مأخذ: نرم‌افزار آبادی‌های ایران، وزارت جهاد کشاورزی، برداشت‌های میدانی ایمانی، ۱۳۹۰

جدول ۲: تغییرات تعداد چاه‌های مجاز در روستاهای پیرامون شهر اردبیل طی ۹۰-۵۲

۱۳۹۰		۱۳۸۲		۱۳۷۲		۱۳۶۷		۱۳۵۲	
چشمه	چاه	چشمه	چاه	چشمه	چاه	چشمه	چاه	چشمه	چاه
۱۰	۳۸۵	۱۲	۳۷۹	۲۱	۳۹۶	۲۵	۳۳۳	۲۸	۷۸

مأخذ: نرم‌افزار آبادی‌های ایران، وزارت جهاد کشاورزی، برداشت‌های میدانی ایمانی، ۱۳۹۰

همچنین با توجه به آمار دهیاری‌های روستاهای مورد مطالعه طی مدت ۵ سال از ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۰ مجموع حجم زباله‌های خانگی از ۵۳ تن در روز به ۸۶ تن افزایش یافته است و وسعت محل تخلیه نخاله‌های ساختمانی شهری از ۲۴۰۰ مترمربع به ۲۷۰۰۰ مترمربع افزایش یافته است و در مجموع طی ۵ سال ۴۹۰۰۰ مترمربع از اراضی این روستاها به سبب تخلیه نخاله‌های ساختمانی آلوده شده است. در مجموع می‌توان چنین عنوان کرد که محیط روستاهای مورد مطالعه بیشتر تحت تأثیر عوامل بیرونی یعنی مجموع اقدامات و سیاست‌های اعمال شده از طرف شهر اردبیل مورد تغییر و تبدیل قرار گرفته است.



تصویر ۲: برداشت غیرمجاز شن و ماسه از اراضی روستای اسکی شهر



تصویر ۱: احداث واحدهای صنعتی در اراضی روستای شاماسی

۲) دگرگونی‌های کالبدی: اولین مشخصه دگرگونی‌های کالبدی رخ داده در روستاهای پیرامون شهرستان اردبیل افزایش بی‌ضابطه و بدون برنامه تعداد واحدهای مسکونی از ۲۸۸۱ واحد در سال ۱۳۵۵ به ۶۳۰۹ واحد در سال ۱۳۹۰ می‌باشد. به تبع افزایش تعداد واحدهای مسکونی شاهد افزایش تعداد مصالح فروشی‌ها از ۲ باب در سال ۱۳۷۵ به ۲۹ باب در سال ۱۳۹۰ و نیز افزایش بنگاه‌های معاملات املاک از ۴ باب در سال ۱۳۷۵ به ۲۷ باب در سال ۱۳۹۰ هستیم. از کل ۳۵۰ واحد مسکونی این تحقیق ۲۲۸ واحد از آهن و آجر و ۷۸ واحد از بتون آرمه و ۴۴ واحد از آجر و چوب و خشت و گل ساخته شدند، تغییر رخ داده در نوع مصالح واحدهای مسکونی از سنتی‌ساز به نوساز و مرمتی می‌باشد، در طول مدت ۳۵ ساله تعداد واحدهای بدون مجوز از ۳۱۴ واحد به ۱۱۹ واحد کاهش یافته و تعداد واحدهای دارای مجوز از ۳۶ واحد به ۲۳۱ واحد افزایش داشته است، متوسط مساحت واحدها نیز به سمت واحدهای با متراژ ۲۰۰-۵۰ متر افزایش یافته است، چنانچه واحدهای با مساحت ۲۰۰-۵۰ مترمربع از ۱۳۱ واحد در گذشته به ۱۹۵ واحد افزایش یافته است. به سبب همین کاهش متراژ واحدهای مسکونی، تعداد فضا‌بندی درونی واحدهای مسکونی هم کاهش یافته است چنانچه ۱۱۲ واحد در حال حاضر با ۵ فضا بیشترین فراوانی و ۷۹ واحد در گذشته با ۸ فضا بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده‌اند. تقلید شیوه زندگی شهری و تغییر اشتغال ساکنان روستایی به‌عنوان عوامل درونی نقش بسیار مؤثری در تغییر فضا‌بندی و مسکن روستاییان داشته است (تصاویر ۴ و ۵). پس به‌طور کلی اولین تغییر کالبدی در الگوی مسکن با کاهش مساحت کل و زیر بنای مسکن روستاها خود را نشان می‌دهد که از این طریق زمینه‌های حذف برخی از کاربری‌ها چون طویله، انبار علوفه و محصولات را فراهم آورده است (سعیدی، ۱۳۸۸: ۲۲۵). با توجه به این که طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۷۲، توسط بنیاد مسکن از ۲۰ روستا برای ۱۴ روستای پیرامونی شهر اردبیل طرح‌های تهیه شده است، لذا تمامی معابر اصلی این روستاها تعریض شده ولی معابر فرعی و بخش‌های از روستاها که غیرمجاز مورد ساخت‌وساز قرار گرفته‌اند هنوز معابر تنگ و کم‌عرض دارند، لذا تهیه طرح‌های هادی روستاها به‌عنوان یک سیاست بیرونی به دلیل این که با عوامل و نیروهای درونی روستاها همگام و هماهنگ عمل نکرده است میزان موفقیت خود را تحت شعاع قرار داده است.

به سبب ساخت و سازهای بی‌رویه و افزایش قیمت زمین در معابر اصلی طی ۳۵ سال از ۶۰۰ ریال در سال ۱۳۵۵ به ۱۸۵۰۰۰۰ ریال در سال ۱۳۹۰، الگوی عام روستاها هم تمایل به خطی از مسطح و کانونی پیدا کرده چنانچه با بررسی نقشه مراحل گسترش روستاهای مورد مطالعه، ۱۰ روستا از ۲۰ روستا از الگوی مسطح و کانونی به الگوی خطی تغییر الگو داده‌اند.



تصویر ۴: واحد مسکونی با کاربری مسکونی - تجاری در روستای آقبلاغ آقاجان



تصویر ۳: واحد مسکونی ۵ طبقه در روستای سلطان‌آباد

۳) دگرگونی‌های اجتماعی - فرهنگی: با توجه به جداول شماره ۳ و ۴ جمعیت در روستاهای پیرامون شهرستان اردبیل طی ۳۵ سال اخیر رشد چشمگیری داشته است، طوری که از ۱۷۹۷۷ در سال ۱۳۵۵ به ۳۱۳۷۵ در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است و طی این مدت رشدی برابر ۵/۷۳ درصد را تجربه کرده است، با نگاهی به آمار مهاجرپذیری و مهاجرفرستی این روستاها طی دوره پنج ساله ۱۳۹۰-۱۳۸۶ متوجه می‌شویم کل جمعیت مهاجر از این روستاها به شهر اردبیل برابر ۴۰۴۳ نفر و جمعیت مهاجران وارد شده به روستاها برابر ۴۰۲۰ نفر بوده است، یعنی تقریباً تعداد جمعیت مهاجر به خارج و داخل روستاها مساوی بوده است، پس می‌توان این ادعا را مطرح ساخت که نقش عوامل درونی و بیرونی در جریان‌های جمعیتی به یک اندازه مؤثر بوده است.

جدول ۳: روند تحولات جمعیتی و نرخ رشد روستاهای پیرامون اردبیل (۱۳۹۰ - ۱۳۵۵)

نرخ رشد (درصد)						سال				
۹۰۶۵۵	۸۵۶۵۵	۹۰۶۸۵	۸۵۶۷۵	۷۵۶۶۵	۶۵۶۵۵	۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵
۵.۷۳	۴.۴۱	۱.۲۷	۱.۱	۲.۱۰	۱.۲۴	۳۱۳۷۵	۲۷۶۶۷	۲۵۰۱۵	۲۰۳۲۹	۱۷۹۷۷

مأخذ: محاسبات نگارنده براساس فرهنگ آبادی‌های کشور (۱۳۸۵، ۱۳۷۵، ۱۳۶۵، ۱۳۵۵) شهرستان اردبیل،

مرکز آمار ایران و مرکز بهداشت شهرستان اردبیل، ۱۳۹۰

جدول ۴: روند تحولات جمعیتی و نرخ رشد روستاهای پیرامون اردبیل (۱۳۵۵ - ۱۳۹۰)

سال	مهاجر فرستی	مهاجر پذیری
۱۳۸۶	۱۰۲۱	۹۰۱
۱۳۸۷	۶۷۰	۹۶۲
۱۳۸۸	۶۸۷	۸۳۱
۱۳۸۹	۷۵۳	۷۳۱
۱۳۹۰	۹۱۲	۵۹۵
جمع	۴۰۴۳	۴۰۲۰

مأخذ: مرکز بهداشت شهرستان اردبیل؛ ۱۳۹۰

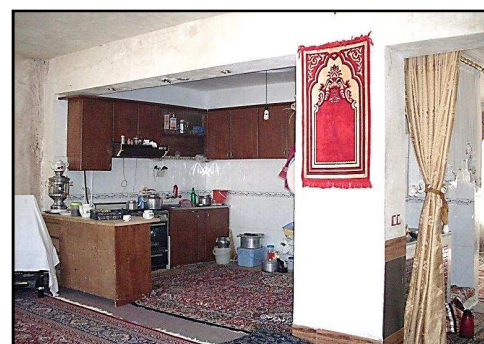
از ۳۵۰ نفر جامعه آماری این پژوهش روزانه ۱۸۸ نفر برای کار به شهر اردبیل مهاجرت می‌کنند؛ یعنی نیاز شهر اردبیل به نیروی کار ساکن در روستاها به‌عنوان یک عامل بیرونی نقش خوابگاهی و پشتیبانی برای روستاهای پیرامونی شهر اردبیل تعریف کرده است. از عوامل مؤثر که در تبدیل این روستاها به محیط پشتیبان برای مجموعه عملکردهای شهر اردبیل نقش عمده داشته است می‌توان به افزایش چشمگیر خدمات خصوصی از قبیل مغازه‌های خواروبار از ۱۸ باب در سال ۱۳۵۵ به ۲۳۴ باب در سال ۱۳۹۰ و نیز خدمات دولتی از قبیل خدمات آموزشی، انتظامی و ارتباطی اشاره کرد، همچنین بهره‌مندی تقریباً همه روستاها از جاده آسفالت و برق و دیگر تأسیسات زیربنایی از مواردی هستند که به‌عنوان مجموعه سیاست‌ها و تصمیمات بیرون از روستاها نقش بسیار مهم در دگرگونی‌های روستاهای پیرامون شهر اردبیل داشته است.

از دیگر تحولات اجتماعی - فرهنگی در روستاهای پیرامون اردبیل، سطح برخورداری روستاییان از دانش روز بخصوص دانش نوین کشاورزی است. ۳۱۸ نفر از ۳۵۰ نفر جامعه آماری تحقیق اظهار داشتند که از کامپیوتر و اینترنت استفاده نمی‌کنند و استفاده آن‌ها محدود به پرداخت قبوض خانگی است، تنها نهاد اطلاعاتی که اکثریت روستاییان نزدیک به ۴۷/۱۴ درصد از آن بهره‌مند می‌شوند رسانه‌های صوتی و تصویری محلی و افراد مطلع محلی بوده و در این میان مروجین کشاورزی از جایگاه بسیار ضعیفی برخوردار بودند چنانچه تعداد افرادی که از کلاس‌های آموزشی و ترویجی جهاد کشاورزی استفاده کرده‌اند از ۳۵۰ نفر حدود ۸۸ نفر بوده که آمار بسیار پایینی را نشان می‌دهد در همین راستا از روستاییان در رابطه با میزان آگاهی از

روش نوین آبیاری و میزان آگاهی از روش‌های نوین مبارزه با آفات کشاورزی سؤال پرسیده شد که ۱۷۸ نفر گزینه کم و خیلی کم را در رابطه با روش‌های نوین آبیاری و ۱۷۱ نفر گزینه کم و خیلی کم را در رابطه با شیوه‌های نوین مبارزه با آفات کشاورزی انتخاب کردند. با نگاهی به آمار ذکر شده می‌توان به این نتیجه رسید وضعیت و سطح برخورداری روستاییان از دانش روز چندان مطلوب نیست. البته عدم علاقه و احساس نیاز جوامع روستایی به‌عنوان عامل درونی و ضعف همکاری و پیگیری نهادهای ذیربط از جمله عوامل مؤثر در پایین بودن میزان آگاهی جوامع روستایی از دانش روز می‌باشد، اما در رابطه با بهره‌مندی روستاییان از وسایل و لوازم خانگی وضعیت به‌گونه‌ای دیگر مطرح است (تصاویر ۶ و ۷). از ۳۰ مورد لوازم و ابزار خانگی مشخص شده توسط محقق در سال ۱۳۵۵ به طور متوسط ۸ وسیله، و در سال ۱۳۹۰ از ۳۰ وسیله مشخص شده به‌طور متوسط ۲۰ وسیله جدید مورد استفاده روستاییان قرار گرفته است. از این لوازم خانگی می‌توان به تلویزیون صفحه تخت، ویدیو سی‌دی، ماهواره، اجاق گاز فردار و فرش ماشینی اشاره کرد؛ با توجه به تغییر ذائقه سبک زندگی و تغییراتی که در اشتغال روستاهای پیرامون شهر اردبیل رخ داده، میزان مشارکت زنان و کودکان نیز در فعالیت‌های روستایی کمتر شده چنانچه از ۳۵۰ نفر که مورد پرسش قرار گرفته‌اند ۱۵۴ نفر اظهار داشتند که زنان در فعالیت‌های تولیدی روستایی نقشی ندارند.



تصویر ۶: استفاده از وسایل جدید ارتباطی در روستای گلمغان



تصویر ۷: استفاده از ابزارهای جدید خانگی در روستای حمل‌آباد

۴) دگرگونی‌های اقتصادی: عوامل یا شاخص‌های اقتصادی را می‌توان از مهمترین، بلکه تعیین‌کننده‌ترین عوامل برپایی سکونتگاه‌های روستایی و نیروهای مؤثر در شکل و الگوی آنها به‌شمار آورد. این عوامل و نیروها بنا به ماهیت خود، تا حد زیادی نه تنها در راستای کارکردهای اساسی اجتماع انسانی برآورنده نیازها و تقاضاهای جماعت‌های روستایی به‌شمار می‌روند، بلکه، به صورت تنگاتنگی با سایر عوامل و نیروهای موجد سکونتگاه‌ها- اعم از عوامل محیطی و غیر آن- در ارتباط قرار می‌گیرند (سعیدی، ۱۳۸۸: ۹۵). طی ۲۵ سال گذشته از ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰، تعداد شاغلین روستاهای پیرامون شهر اردبیل از ۵۵۷۲ به ۱۱۵۴۲ نفر افزایش یافته است با توجه به کاهش تعداد افراد شاغل در بخش کشاورزی و خیل افراد مهاجر به این روستاها تعداد بسیاری از روستاییان در بیرون از روستا به اشتغال مشغول هستند.

با توجه به نتایج این تحقیق از ۳۵۰ نفر، جامعه آماری این تحقیق ۱۷۷ نفر در بخش کشاورزی و ۲۰ نفر به فعالیت‌های غیر از کشاورزی اشتغال داشتند و از این تعداد ۱۵۳ نفر در بیرون از روستاها و عموماً در شهر اردبیل مشغول به فعالیت بودند، بدینسان در اثر تحولات رخ داده تعداد افراد شاغل در بخش کشاورزی با کاهش و تعداد افراد شاغل در بخش خدمات و صنعت رو به افزایش بوده است. همچنین طی دوره یاد شده تعداد افراد دو شغله یعنی افرادی که در کنار کار کشاورزی به فعالیت‌های دیگر اشتغال داشتند ۱۴۴ نفر برآورد شد، که نشان از تحول در وضعیت اشتغال این منطقه دارد، با توجه به موارد یاد شده، تحولات درونی رخ داده در اشتغال جوامع روستایی پیرامون شهر اردبیل بیشتر ناشی از تغییر عملکرد عامل بیرونی یعنی تحولات رخ داده در شهر اردبیل است. در راستای همین تحولات رخ داده شاهد افزایش قیمت زمین و اجاره بها در روستاهای مورد مطالعه هستیم، چنانچه میانگین قیمت زمین طی ۳۵ سال اخیر در درون بافت روستا از ۴۲۰ ریال به ۴۵۰۰۰۰ ریال و در معابر اصلی از ۶۰۰ ریال به ۱۸۵۰۰۰۰ ریال و میزان اجاره‌بها از ۵۰۰ ریال در ماه به ۶۰۰۰۰۰ ریال در ماه افزایش یافته است.

البته نباید نقش دلالتان و زمین‌خواران را که بی‌جهت سبب افزایش قیمت زمین و اجاره در این روستاها می‌شوند را نادیده گرفت. چنانچه طی یک دوره ۱۵ ساله از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۹۰، تعداد بنگاه‌های معاملات املاک از ۴ باب به ۲۷ واحد افزایش یافته؛ محقق به جهت تنوع اشتغال در پیرامون شهر اردبیل برای محاسبه میانگین تولید و درآمد سالانه خرید کالا و محصولات

خانوارهای روستایی آنها را به چهار بخش، خانوارهای شاغل کشاورزی، خدمات، صنعت و دولتی تقسیم کرد، با توجه به نتایج برآمده از این تقسیم‌بندی میانگین تولید و درآمد سالانه خانوار کشاورز برابر با ۵۵۰، ۱۴۹ و میزان هزینه‌کرد این خانوارها برابر با ۰۷۰، ۱۵۲ ریال بود، بنابراین، تناسبی میان درآمد و هزینه این خانوارها مشاهده می‌شود ولی در رابطه با خانوارهای شاغل در بخش خدمات وضعیت مالی چندان مناسب نیست زیرا درآمد این خانوارها برابر با ۰۰۰، ۱۰۸ ریال ولی میزان هزینه آنها برابر ۰۰۰، ۱۲۵ ریال بوده که تناسب چندانی بین درآمد و هزینه آنها برقرار نیست. تنها در این کار تحقیقی شاغلان بخش صنعت با درآمدی بالغ بر ۰۰۰، ۲۳۰ ریال و دولتی با ۰۰۰، ۱۴۰ و هزینه سالانه در حدود ۰۰۰، ۱۲۵ ریال از وضعیت بهتری در مقایسه با بخش کشاورزی و خدمات برخوردارند؛ با توجه به موارد فوق جریان سرمایه در مورد شاغلان بخش کشاورزی و خدمات به خارج از روستاها و در مورد شاغلان بخش‌های دولتی و صنعتی از خارج روستاها به داخل صورت گرفته؛ در مورد دیگر سرمایه‌گذاری‌های روستاییان تقریباً وضعیت به همین منوال است، عمده سرمایه‌گذاری روستاییان صرف خرید لوازم خانگی و اتومبیل شده یعنی ۸۸ نفر از ۳۵۰ نفر و تعداد افرادی که مبادرت به خرید زمین، مسکن و مغازه کرده‌اند ناچیز در حدود ۳۳ نفر بودند، در مورد پس‌انداز در بانک‌ها تنها ۱۹۹ نفر مبادرت به پس‌انداز کرده‌اند که از ۲۳۷ نفری که موفق به دریافت وام از بانک شده‌اند ۸۷ نفر موفق به دریافت وام مسکن و ۶۱ نفر موفق به دریافت وام ازدواج شدند. با توجه به این که برآورد دقیقی از میزان سرمایه‌گذاری شهری‌ها در این روستاها وجود ندارد ولی با توجه به مجموعه اقدامات صورت گرفته توسط آنها مانند احداث واحدهای صنعتی و تولیدی، شهرک‌سازی، استخراج مصالح ساختمانی، حجم سرمایه‌گذاری بیرونی در روستاها بسیار بالا بوده، ولی سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها از روستاها خارج شده و بیشتر تبعات محیطی - اکولوژیکی را از خود به جای می‌گذارند. همچنین مجموعه سرمایه‌گذاری‌های که روستاییان انجام می‌دهند در محیط شهرها صورت گرفته، مولد بوده و بیشتر صرف خرید کالاهای مصرفی می‌شوند تا کالاهای سرمایه‌ای.

نتیجه‌گیری

امروزه روستاها به‌عنوان به یک نظام مکانی - فضایی پیوسته در حال تغییر هستند، این تغییرات نه تنها تحت‌تأثیر نیروها و روندهای درونی این نظام است، بلکه، ضمناً از نیروها و روندهای بیرونی که از سایر واقعیت‌های مکانی- فضایی و یا غیرفضایی نشأت می‌گیرد نیز تأثیر می‌پذیرد. در واقع عوامل و نیروهای درونی و بیرونی، هر یک در بستر زمان به شکلی در روند تحولات سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهرها تأثیر گذاشته است، شهر اردبیل، با توجه به موقعیت مهم سیاسی آن بخصوص بعد از استان شدن آن در سال ۱۳۷۲ به‌عنوان یک عامل مهم بیرونی نظام سکونتگاهی روستایی پیرامون خویش را تحت‌تأثیر قرار داده‌اند، با توجه به این که این شهر جهت توسعه صنایع تولیدی و مولد خود و همچنین اسکان سرریز جمعیتی خود به توسعه فیزیکی دست زده است. لذا، در وهله اول زمین‌های زراعی روستاهای پیرامون خویش را مورد دست‌اندازی قرار داده است. چنانچه این توسعه فیزیکی و خزش به‌عنوان عامل بیرونی دگرگونی‌هایی را برای ساکنان سکونتگاه‌های روستایی در ۴ عرصه محیطی- اکولوژیک، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و کالبدی - فضایی به دنبال داشته است.

در عرصه محیطی- اکولوژیک، شاهد افزایش سطح زیرکشت محصولات کشاورزی و کاهش تعداد بهره‌برداران روستایی و افزایش تعداد بهره‌برداران شهرنشین هستیم، در اثر این همین عامل و بهره‌برداری بیش از حد از چاه‌های عمیق؛ دشت اردبیل از سوی مسئولین ذیربط به‌عنوان دشت ممنوعه اعلام شده؛ از مظاهر دیگر دگرگونی‌های محیطی - اکولوژیک تغییرات کاربری اراضی زراعی به کاربری‌های دیگر است، از عوامل درونی مؤثر در تغییر کاربری زراعی نیاز جوامع روستایی به مسکن می‌باشد، ولی در این میان نقش عوامل و روندهای بیرونی بسیار بیشتر از عوامل درونی بوده و احداث واحدهای صنعتی- تولیدی، شهرک‌سازی و برداشت مصالح ساختمانی و دپوی نخاله‌های ساختمانی از نشانه‌های عمده تغییرات کاربری توسط عوامل و روندهای بیرون از روستا است.

از بُعد کالبدی، افزایش جمعیت ساکن در روستاها سبب افزایش تعداد ساخت واحدهای مسکونی بدون مجوز با مصالح کم‌دوام در مترژهای کوچک شده این واحدها دارای تعداد فضا‌بندی‌های درونی به مراتب کمتر از گذشته بوده که نشان از تحول نوع اشتغال و فرهنگ حاکم بر خانواده‌ها می‌باشد. در روستاهای پیرامون شهر اردبیل، علی‌رغم اجرای طرح‌های هادی در برخی روستاها

شاهد معاشرتنگ و باریک و شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در روستاها هستیم که حتی در برخی روستاها الگوی کلی کالبدی روستاها به تبعیت از جاده‌ی اصلی از کانونی به خطی در حال تبدیل است، همان‌طور که اشاره جمعیت این روستاها در یک دوره ۳۵ ساله تقریباً ۲ برابر شد و رشدی معادل ۵ درصد را تجربه کرده است. در اینجا نقش عوامل و نیروهای درونی و بیرونی یکسان عمل کرده چنانچه که در این روستاها میزان مهاجرپذیری و مهاجردهی در طی دوره ۵ ساله مساوی است. البته نباید نقش سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی را به‌عنوان عوامل بیرونی در مهاجرپذیر بودن و ماندگاری جمعیت روستایی نادیده گرفت در کنار نقش مثبتی که در اجرای برنامه‌ها و ارائه خدمات عمومی در بهبود و دگرگونی روستایی داشته ولی جریان ایده‌ها و اطلاعات هنوز در این روستاها مناسب نیست چنانچه تعداد افرادی که از سواد اینترنتی و روش‌های نوین کشاورزی آگاهی دارند بسیار کم است. یعنی به اندازه‌ای که روندها و نیروها بیرونی در بالا بردن سطح برخورداری از وسایل و لوازم جدید زندگی در روستاها موفق بوده‌اند، در بالا بردن سطح آگاهی و دانش روز موفق عمل نکرده است؛ و در آخر بُعد دگرگونی اقتصادی در روستاهای پیرامون شهر اردبیل مورد مطالعه قرار گرفت که نتایج آن حاکی از این امر بود که شاغلان روستایی طی دوره ۳۵ ساله تمایل به اشتغال در بخش خدمات پیدا کرده‌اند و تعداد شاغلان در بخش کشاورزی کاهش و تعداد افراد دو شغله در این مدت افزایش پیدا کرده، طی مدت یاد شده در اثر عوامل و نیروهای بیرونی یعنی واسطه‌ها و دلال‌های زمین‌خوار قیمت زمین و اجاره بها چندین برابر شده که بیشتر سود حاصل از این عمل به خارج از محیط روستاها منتقل و جوامع روستایی از آن بی‌بهره مانده‌اند همچنین در بین خانوارهای شاغل در بخش کشاورزی و خدمات تناسبی بین درآمد و تولید و هزینه آن دیده نشد که نشان از عدم تناسب در روابط و جریان‌های حاکم بین شهر اردبیل و روستاهای پیرامون آن دارد. به‌طورکلی چنانچه بتوان پیوندهای و جریان‌های موجود بین کانون‌های مختلف فضایی اعم از شهری و روستایی را به درستی مورد شناسایی قرار داد و روند آتی جریان‌های مختلف آنها را با توجه به چشم‌اندازهای منطقه‌ای، ملی و جهانی، به نحوی مناسب ترسیم کرد، می‌توان امیدوار بود که سیاست‌های مناسب توسعه منطقه‌ای در دستور کار قرار گیرد (سعیدی، ۱۳۸۷: ۵۰۴). از لحاظ نظری، تحقق اینگونه جریانها در بستر دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جاری، بویژه در کشورهای در حال توسعه، با تنوع و تقویت اشتغال در محیط‌های روستایی همراه است (سعیدی، سلطانی، ۱۳۸۳: ۳۶).

کتابشناسی

۱. آمار و اطلاعات دریافت شده از معاونت عمران روستایی اداره کل بنیاد مسکن استان اردبیل، ۱۳۸۹؛
۲. آمار و اطلاعات دریافت شده از واحد شهرسازی اداره کل راه و شهرسازی استان اردبیل، ۱۳۸۹؛
۳. امین‌مقدم، محبوبه (۱۳۹۰)؛ روند تبدیل روستاها به شهر با تأکید بر تحول کالبدی - فضایی؛ نمونه موردی: روستا - شهر دابودشت شهرستان آمل، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاههای روستایی: مسکن و بافت، ناشر بنیاد مسکن انقلاب اسلامی؛
۴. اهلرس، اکارت (۱۳۸۰)؛ ایران، شهر - روستا - عشایر، ترجمه عباس سعیدی، مجموعه مقالات، نشر منشی، چاپ اول؛
۵. رهنمایی، محمدتقی (۱۳۷۳)؛ دولت و شهرنشینی، نقدی بر عناصر شهری قدیم و سرمایه‌داری بهره‌دهی هانس بوبک، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، بخش اول شماره ۳۲؛
۶. سعیدی، عباس (۱۳۸۲)؛ روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی - شهری؛ یک بررسی ادراکی، فصلنامه جغرافیا شماره ۱؛
۷. سعیدی، عباس؛ صدوق، سیدحسن (۱۳۸۵)؛ نظام فضایی به مثابه جوهره مطالعات جغرافیایی؛ فصلنامه جغرافیا، شماره ۱۰ و ۱۱؛
۸. سعیدی، عباس (۱۳۸۷)؛ دانشنامه مدیریت شهری و روستایی؛ بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی و سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور؛
۹. سعیدی، عباس؛ سلطانی، ریحانه (۱۳۸۳)؛ نقش پیوندهای کلانشهری در تحول کالبدی - فضایی روستاهای پیرامونی، نمونه موردی: روستای حصار در حوزه کلانشهر مشهد، فصلنامه جغرافیا شماره ۳؛
۱۰. سعیدی، عباس (۱۳۹۰)؛ ارزیابی مکانی - فضایی رویکردهای توسعه و تحول سکونتگاههای روستایی؛ مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاههای روستایی: مسکن و بافت، ناشر بنیاد مسکن انقلاب اسلامی؛
۱۱. سعیدی، عباس (۱۳۸۹)؛ محیط، فضا و توسعه بحثی در ضرورت توسعه یکپارچه روستایی - شهری؛ فصلنامه مسکن و محیط روستا؛ شماره ۱۳۱؛
۱۲. سعیدی، عباس؛ حسینی حاصل، صدیقه (۱۳۸۶)؛ ادغام کلان شهری سکونتگاههای روستایی؛ نگاهی به کلانشهر تهران و پیرامون؛ فصلنامه جغرافیا (نشریه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران)، شماره ۱۳ و ۱۲؛
۱۳. سعیدی، عباس؛ حسینی حاصل، صدیقه (۱۳۸۸)؛ شالوده مکان‌یابی و استقرار روستاهای جدید؛ ناشر بنیاد مسکن انقلاب اسلامی؛

۱۴. شفیعی ثابت، ناصر (۱۳۸۷): خزش شهری، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، سرپرست علمی دکتر عباس سعیدی، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاریهای کشور، تهران؛
۱۵. شکوری، بهروز؛ پیوند، یعقوب (۱۳۷۳): نظری بر وضعیت اکولوژیکی استان اردبیل؛ انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل؛
۱۶. شهبازی شیران، حبیب (۱۳۷۳)، جغرافیای اردبیل، انتشارات آرتا، اردبیل؛
17. Coates, B.E., R.J. Johnston & P.L. Knox (1977), *Geography and Inequality*, Oxford University Press;
18. Douglass, Mike (1998), "A Regional Network Strategy for Reciprocal Rural-Urban Linkages: An Agenda for Policy Research with Reference to Indonesia", *Third World Planning Review*, Vol.20, No.1, pp.1-33;
19. Johnston, R.J. (1973), *Spatial Structures*, London;
20. Johnston, Ronald John (2000), *The dictionary of human geography*, Malden, MA: Blackweell, publishers;
21. Rondinelli, D. and K. Ruddle (1978), *Urbanization and Rural Development: A Spatial Policy for Equitable Growth*, Praeger, New York;
22. Rondinelli, D. (1985), *Applied Methods of Regional Analysis: The Spatial Dimensions of Development Policy*, West view Press, Boulder, Colorado;
23. Tacoli, Cecilia (1998), *Bridging the divide: Rural-urban Interactions and Livelihood Strategies*, IIED, Gatekeeper Series, No. SA77, London.